

فصلنامه انسان و محیط زیست، شماره ۶۲، پاییز ۱۴۰۱، صص ۱-۱۶

## تبیین تحولات ژئوپلیتیکی رابطه انسان و محیط زیست (چشم‌انداز-ارائه راهکار)

یوسف زین‌العابدین عموقین<sup>۱\*</sup>

[y.zeinolabedin@gmail.com](mailto:y.zeinolabedin@gmail.com)

ریباز قربانی‌نژاد<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۸/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۴/۱۵

### چکیده

**زمینه و هدف:** انسان همواره به زیستگاهی نیاز دارد که در آن هوای تمیز، آب آشامیدنی، منابع غذایی و امکانات کافی برای زندگی ارزشمند وجود داشته باشد. توانمندی انسان در حفظ و صیانت فضای زندگی خود یا در ویرانگری چشم‌اندازهای آن که در رابطه با شرایط طبیعی، اکوسیستم متعادلی به وجود می‌آورد، بیانگر این واقعیت است که انسان عامل مهم ساخت‌ها، ویرانگری‌ها، ترکیب و اختلال در قلمروهای زیستی و بیوژئوگرافیک می‌باشد. از این رو، تغییرات تدریجی نسبت به رابطه انسان و محیط، زیربنای دیدگاه‌های فلسفی زیست‌محیطی جدیدی را به وجود می‌آورد و برای پشتیبانی از طرح‌های حفاظت از محیط زیست منبعی مستمر به حساب می‌آیند که به صورت ملی، منطقه‌ای و جهانی مطرح است. در این میان، افزایش جمعیت انسانی از یک طرف و کاهش ظرفیت‌های زیست‌محیطی از طرف دیگر، تهدیدها و چالش‌های ژئوپلیتیکی برای جهان به وجود آورده است که چشم‌انداز آن با بحران‌ها، درگیری‌ها و معضلات دیگر جهانی همراه است.

**روش بررسی:** در این پژوهش، گردآوری اطلاعات با روش کتابخانه‌ای و با استفاده از متون، اسناد و مقالات مرتبط صورت گرفته و از نظر ماهیت روش‌شناسی و جنس داده‌ها یک پژوهش کیفی محسوب می‌شود.

**یافته‌ها:** یافته‌های این پژوهش در راستای تبیین ژئوپلیتیکی تحولات روابط انسان و محیط زیست و پیامدهای آن می‌باشد که از یک طرف بصورت بحران‌های ژئوپلیتیکی، جهان را در بر گرفته است و از طرف دیگر، امنیت زیست‌محیطی را در مقیاس‌های مختلف محلی، ملی و جهانی به مخاطره افکنده است و حاکمیت دولت-ملت‌ها را در چگونگی مدیریت مخاطرات و بحران‌های زیست‌محیطی با چالش مواجه ساخته است.

**بحث و نتیجه‌گیری:** نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد پایبندی دولت‌های ملی به اصول نظام ژئوپلیتیک سبز می‌تواند مناسب‌ترین راهکار جهت کاهش پیامدهای بحران ناشی از روابط انسان و محیط زیست در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی باشد.

**واژه‌های کلیدی:** ژئوپلیتیک، محیط زیست، چشم‌انداز، انسان، راهکار.

۱- دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت (نویسنده مسئول)

۲- استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران

# Geopolitical Explanation of Developments Regarding the Relationship between Human Being and the Environment (Perspective-Approach)

Yousef Zeinolabedin Amuqin<sup>1\*</sup>

[y.zeinolabedin@gmail.com](mailto:y.zeinolabedin@gmail.com)

Rebaz Ghorbaninejad<sup>2</sup>

Received: July 5, 2020

Accepted: November 8, 2020

## Abstract

**Basis and Goal:** Mankind always needs a habitat in which there is clean air, drinking water, food resources and adequate conveniences for a valuable life. Human being's ability in saving and protecting their life space and in destroying its landscapes that regarding the natural conditions create a balanced ecosystem indicate the fact that human being is the most important factor of constructions, destructions, combinations and derangements in the biogeographic and biological territories. So, gradual changes regarding the relationship between human being and environment forms the cornerstone of the new environmental philosophical perspectives and are considered as continuous resources to support environment protecting plans that are present in national, regional and global levels. Meanwhile, population increase one hand and reduction of environment potentials on the other hand, have brought about geopolitical challenges and threats to the world whose perspective is accompanied with global crises, disputes and other difficulties.

**Methods:** In this research, information has been collected by observing a library according to documents, texts, articles, etc. And in terms of the type of methodology and data, it is considered a qualitative method.

**Findings:** The findings of this research show the geopolitical explanation of developments regarding human being and environmental relationships and its consequences that engulfed the world in the form of geopolitical crises, which on the one hand have covered the world in the form of geopolitical crises, and on the other hand, challenged environmental security in different local, national and global scales. It has endangered the sovereignty of f nation-states in how to manage environmental risks and crises.

**Discussion and Conclusion:** The results of this research show that the adherence of national governments to the principles of the green geopolitics system can be the most appropriate approach to alleviate the consequences of the crisis resulting from the human being and environmental relationships at the national, regional and global levels.

**Keywords:** Geopolitics, Environment, perspective, Human Being, Approach

---

1- Associate Professor of Political Geography, Islamic Azad University, Rasht Branch

2- Assistant Professor of Political Geography, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran

## مقدمه

طور قابل ملاحظه‌ای زمینه بروز خشونت‌های گروهی را فراهم کرده است (۴). آلوده شدن منابع آب ملی به دلیل افزایش سریع جمعیت، استفاده ناکارآمد، مهاجرت به شهرها، فعالیت‌های صنعتی و گرم شدن کره زمین و تغییر آب و هوا بر اهمیت بین-المللی آب افزوده است (۵).

علاوه بر آن تأثیر رشد جمعیت بر منابع به‌ویژه مصرف بالای سوخت‌های فسیلی، دگرگونی و تغییر در اقلیم را موجب شده است. پیش‌بینی می‌شود، به دلیل خشکسالی‌های شدید به ازای هر شش کشور از کشورهای جهان، یک کشور با کمبود مواد غذایی مواجه خواهد شد و تا سال ۲۰۷۵ بین ۳ تا ۷ میلیون نفر با کمبود مزمن آب مواجه خواهند شد (۶).

پیامد مباحث فوق موجب شکل‌گیری رابطه انسان و محیط‌زیست و شکل‌گیری رویکرد دیگری در آن تحت عنوان ژئوپولیتیک زیست‌محیطی گردیده است که به دنبال کشف تأثیرات کمبود - منابع و آلودگی‌های محیط بر سیاست می‌باشد. در این بین، امنیت ملی و سیاست‌های امنیتی می‌تواند متأثر از کمبود منابع قرار گیرد. به این ترتیب، ژئوپولیتیک زیست‌محیطی، می‌تواند به کشف رابطه امنیت محیطی و امنیت ملی منجر گردد (۷).

در این میان، از آنجایی که تأثیرات تخریب زیست‌محیطی در سطح جهانی در حال افزایش هستند، مجامع فراملی نقش وسیع‌تری را در حل و فصل آن‌ها به عهده می‌گیرند. البته این حرکت در صحنه بین‌المللی، به قیمت تهدید حاکمیت بین‌المللی و حقوق مالکیتی بر منابع تمام می‌شود. اختلافات بیرون‌بودگی را به ندرت می‌توان بین دو دولت بدون یاری و نفوذ سازمان‌های فراملی حل و فصل کرد. پس، ایجاد یک مقوله مجزا از موضوعات میان‌دولتی توسط سازمان ملل، بانک جهانی و سایر گروه‌های ذینفع، به این معنی است که آن‌ها ظهور درگیری‌های زیست‌محیطی بین-المللی<sup>۴</sup> (IEC) را تأیید می‌کنند. در مقابل این گفتمان فرادولتی، گفتمانی وجود دارد که می‌گوید مشکلات زیست‌محیطی را می-

انسان هوشمند یا انسان ویرانگر آخرین اورکس<sup>۱</sup>، جد گاو اهلی امروزی که اسلاف ما نقش آن را بر دیوار غارهایشان رسم کرده‌اند، در سال ۱۶۲۷ در لهستان از بین برد. سه قرن پیش، دریانوردانی که در جزیره موریس پیاده می‌شدند، دودو<sup>۲</sup> آفسانه‌ای، کبوتر عظیم بی‌دست و پای را که قادر به پرواز نبود، نابود کردند. هیپوتراگ<sup>۳</sup> آبی رنگ، غزال زیبایی با پوست خاکستری رنگ مایل به آبی، حدود سال ۱۸۰۰ در افریقای جنوبی ناپدید شد. گورخر کواگای معروف نیز که به واسطه پوستش نیمه‌اسب و به واسطه گردنش نیمه گورخر بود، در سال ۱۸۸۰ در افریقای جنوبی ناپدید شد. گاهی اوقات، هیچ چیز جلوی خشم ویرانگر انسان را نمی‌گیرد (۱).

به این ترتیب، از شروع تاریخ بشر مسأله محیط زیست همواره مورد توجه بوده و انسان در این راه ابتدا به کشف طبیعت و راهبردهای آن نایل گشت. انسان برای تنظیم مصرف منابع جوامع ممنوعیت‌ها و خرافات و رعایت حقوق مشترک، شناخت محیط - زیست را توسعه داد، قوانین چندی برای امر نظارت تدوین شد و منابع محیط زیست ملی کشورها سرشماری گردید (۲).

بنابراین در اواخر قرن بیستم، مسایل زیست‌محیطی جایگاه والایی در دستور کار اجلاس بین‌المللی یافت و اذهان رهبران سیاسی، مقامات دولتی، دانشمندان، کارشناسان صنعتی و دیگر افرادی که به نوعی با این گونه امور ارتباط داشتند را به خود معطوف نمود. از اواخر دهه ۱۹۶۰ بر آگاهی عمومی نسبت به خطرات و عواقب طیف گسترده‌ای از معضلات زیست‌محیطی بین‌المللی افزوده شده است (۳).

از طرف دیگر، پیامد رشد بی‌سابقه جمعیت در قالب بحران کمیابی منابع زیست‌محیطی به‌ویژه زمین‌های کشاورزی، آب گوارا، جنگل‌ها، ذخایر شیلات و ... در مناطق استراتژیک جهان به

1- Ouroch

2 - Dodo

3 - Hippotrague

توان به بهترین نحو در سطح محلی حل کرد، یعنی جایی که این تأثیرات بیشتر احساس می‌شوند. با این وجود در مقاله حاضر پاسخ به این سوال که دولت‌ها، سازمان‌های داخلی و فراملی چه نقشی می‌توانند در حل و فصل مسائل ژئوپلیتیک زیست محیطی ایفا کنند؟ از اهمیت خاصی در ارزیابی وضعیت محیط زیست کنونی سیاره زمین و تبیین مفهوم امنیت زیست محیطی در ابعاد مختلف محلی، ملی و جهانی برخوردار می‌باشد (۸).

### مبانی نظری

آگاهی فزاینده نسبت به محیط زیست باعث شکل‌گیری جهان-بینی‌هایی در مورد روابط میان انسان‌ها و محیط زیست شده است که بسیاری از آنها ریشه در فلسفه‌های قدیمی‌تر و تئوری‌های توسعه دارند. در دو سر این پاره‌خط دو دیدگاه متضارب وجود دارند که در زمان مباحثه در مورد سیاست‌های مناسبی که باید اتخاذ شوند، رخ می‌نمایند؛

۱- دیدگاه محیط-زیست محوری: در این رویکرد، دانش و تکنولوژی هستند که مشکل به شمار می‌روند. انسان‌ها باید با زمین زندگی کنند. محدودیت‌های ذاتی بر سر راه رشد وجود دارند. طرفداران محوریت محیط‌زیست معمولاً در مورد جهانی شدن در طیف بدبینان و یا تحول‌گرایان افراطی قرار می‌گیرند.

۲- دیدگاه تکنولوژی محوری: در این رویکرد، دانش و تکنولوژی راه‌حل این مشکل هستند. هیچ محدودیت ذاتی بر سر راه رشد وجود ندارد. طرفداران محوریت تکنولوژی عموماً از نقطه‌نظر دیدگاه‌شان نسبت به جهانی شدن، در گروه تحول‌گرایان محافظه‌کار و یا فراجهان‌گرایان قرار می‌گیرند.

بدیهی است که این جهان‌بینی‌ها تأثیرات متفاوتی در اتخاذ سیاست‌های زیست‌محیطی دارند. امروزه، جهان‌بینی تکنولوژی محور است که بر عملکرد دولت‌ها و آژانس‌های بین‌المللی حاکم است. برخی جنبش‌های اجتماعی جدید به ویژه احزاب سبز،

دیدگاه محیط زیست محور را تشکیلاتی کرده‌اند، گرچه این گروه‌ها در اغلب فرآیندهای تصمیم‌سازی، در اقلیت هستند. به هر حال اصلی‌ترین مکاتب انسانی که درباره‌ی تعامل اخلاقی انسان با طبیعت مطرح شده‌اند عبارتند از:

#### ۱. مکتب محیط زیست‌گرایان سبز روشن (اصلاح‌طلب)

مکتب محیط زیست‌گرایان سبز روشن ضمن اعتقاد به انحصار احترام استقلالی برای انسان، معتقدند هر چیز واجد ارزشی که در طبیعت می‌یابیم، در نهایت، ملاک تعیین ارزش آن منافع انسان خواهد بود. به عبارت دیگر، طبیعت در صورت تأمین منافع انسان محترم خواهد بود و به خودی خود محترم نیست (۸).

اصول مکتب محیط زیست‌گرایان سبز روشن را در چهار گزاره می‌توان تقسیم کرد:

۱. مسائل زیست‌محیطی از راه تغییرات در یک محیط-

زیست، شناخته می‌شوند؛ مسائلی که برای سلامت، آسایش یا حتی بقای انسان - و به طور خلاصه برای رفاه انسان در بردارنده‌ی خطری هستند. به عبارت دیگر، آن دسته از مسائل مربوط به محیط‌زیست درخور توجه هستند که سر و کار با منافع انسان دارند.

۲. در هر جا که امکان کنترل یا وارونه کردن اثر تغییرات

زیست‌محیطی باشد اقدامات انسانی به هر راهی که در رفع تهدید خطر مؤثر باشد، اقدامی موجه است. اگر تغییری در بردارنده‌ی خطر شخصی باشد، توجیه اقدام انسان یک توجیه شخصی یا از روی عقل و احتیاط است، اما اگر خطر متوجه شخصی نبود بلکه متوجهی دیگران بود، دیگر نمی‌توان گفت اقدام انسان رعایت احتیاط فردی است، در این حالت اقدام انسان توجیه اخلاقی دارد. بر این اساس، حفاظت از محیط زیستی که در خدمت انسان‌های دیگر است، براساس اخلاق موجه و پسندیده است و انسان در برابر آن دسته از مسائل طبیعت که به منافع شخصی هم ربطی ندارد، مسئولیت دارد.

محور نه تنها انسان‌ها بلکه حیوانات دیگر را هم به لحاظ اخلاقی مهم و قابل ملاحظه می‌داند. خیلی از کارهایی که انسان با محیط‌زیست طبیعی انجام می‌دهد، آشکارا بر حیوانات تأثیر می‌گذارد و چنین توصیه شده که این موضوع باید در ارزیابی‌های اخلاقی مورد توجه قرار گیرد.

اصول مکتب محیط زیست‌گرایان سبز تیره یا اخلاق جانور محور، عبارتست از:

۱. تغییراتی که در محیط‌زیست رخ می‌دهد و برای هر چیزی که در آن محیط نامحدود موجود است، خطری ایجاد می‌کنند.
۲. جانداران و سیستم‌های طبیعی، اعتباری فی‌نفسه دارند؛ یعنی، واجد موقعیت اخلاقی مستقل می‌باشند. براساس این دیدگاه، حیوانات نیز در دایره‌ی موجودات دارای شأن اخلاقی مستقل هستند. صرف‌نظر از این که برای انسان سودی داشته باشند یا نداشته باشند.

### ۳. مکتب «زیست‌مدارانه یا حیات محور» تیلور

پل دلبیو تیلور، با بیان ناکارآمدی «دانش علمی» برای تدوین ارزش‌های اخلاقی، دین را یگانه منبع برای برانگیختن بنیاد محکم انگیزه اخلاقی می‌داند (۱۰). او در کتاب احترام به طبیعت، یک تئوری اخلاق زیست‌محیطی، در دفاع از طبیعت، اصلی را با نام اصل «احترام به طبیعت» مطرح کرد که براساس آن احترام به طبیعت، ذاتی و فی‌نفسه شمرده می‌شود. به عقیده‌ی او باور احترام به طبیعت، باید توسط رشته‌ای از عقاید و یک نظام عقیدتی راجع به طبیعت، تقویت شود. او این نظام عقیدتی را، «بینش زیست‌مدارانه نسبت به طبیعت» نامید و براساس آن یک «اخلاق زندگی محور» را پایه‌ریزی کرد. در هسته‌ی بینش زیست‌مدارانه او چهار اعتقاد نهفته بود:

۱. اشتراک مفهومی حیات با دیگر جانداران: عقیده به این که انسان‌ها اعضای جامعه‌ی حیات کره‌ی زمین هستند، به همان معنی و با همان شرایط که جانداران اعضای این جامعه می‌باشند. انسان‌ها یکی از جانداران

۳. رفاه انسان ارتباطی تنگاتنگ با رفاه بسیاری از دیگر موجودات دارد، چه از لحاظ سودهایی که آن‌ها برای انسان دارند و چه بدین خاطر که انسان به طور مستقیم به آن‌ها وابسته است در نتیجه، آن‌ها هم از همان تدابیری که برای تأمین و حفظ رفاه انسان اتخاذ شده، برخوردار خواهند بود. بر این اساس آن دسته از موجودات که با رفاه انسان ربطی ندارند، لازم نیست مورد تدابیر حمایت واقع شوند.

۴. از آنجا که فقط انسان‌ها از موقعیت اخلاقی مستقل برخوردار هستند لذا حمایتی که از محیط‌زیست می‌کنند توقع معقولی است که می‌توان از انسان‌ها انتظار داشت.

حاصل آن که این گروه محیط‌زیست را به سه دسته تقسیم می‌کنند: محیط‌زیست در خدمت انسان، محیط‌زیست در تقابل با انسان و محیط‌زیستی که برای انسان اهمیت یا ضرری ندارد. احترام به محیط‌زیستی که در خدمت انسان است، به تبع احترام به منافع انسان، لازم و معقول است و به لحاظ اخلاقی قابل توجه است. مبارزه با آن بخش از محیط‌زیست که به ضرر انسان است، مانند حیوانات مودی، نیز لازم و بلکه معقول است. اما احترام به آن دسته از محیط‌زیست که با زندگی انسان ارتباطی ندارد، غیرمعقول و غیرضروری است.

### ۲. مکتب محیط زیست‌گرایان سبز تیره (رادیکال یا تندرو)

در این دیدگاه، افزون بر انسان بخشی از طبیعت هم دارای ارزش اخلاقی مستقل هستند اما نه به خاطر مقایسه‌ی آن با انسان یا چیز دیگر و یا نه به لحاظ مبانی متافیزیکی هستی‌شناسی. این گروه معیار ارزش مستقل داشتن را برخوردارگی از آگاهی و ادراک یا حساسیت در برابر درد و لذت می‌دانند. در این صورت افزون بر انسان، حیوانات نیز داخل در لیست موجودات دارای شأن اخلاقی مستقل خواهند بود.

برخی این مکتب را که به نوعی از مکاتب طبیعت محور شمرده می‌شود، مکتب «اخلاق جانور محور» خوانده‌اند. در اخلاق جانور

نیز آسیب جبران ناپذیری وارد نکند. روتلی چنین فرض می‌کند که درست است که این اصل، (که گاه برای سهولت، از آن با عنوان «اصل آسیب» نام برده می‌شود) آزادی انسان را برای برخورد دلخواه با محیط‌زیست محدود می‌کند - برای نمونه آلوده شدن رودخانه توسط یک کشاورز ممکن است به عنوان یک عمل غیراخلاقی بر این مبنا محکوم شود که به لحاظ فیزیکی برای دیگرانی که از آن استفاده می‌کنند یا ممکن است استفاده کنند، مزاحمت فراهم می‌آورد - اما این قبیل محدودیت‌ها برای پیدایش یک نظام اخلاقی پیرامون تعامل با محیط‌زیست کفایت نمی‌کند. به عقیده‌ی روتلی و پیروانش، همه یا بخش بیشتر از موجودات در طبیعت دارای شأن اخلاقی مستقل هستند و چنین نیست که فقط انسان‌ها و حیوانات دارای موقعیت اخلاقی مستقل هستند. حاصل آن که براساس مکتب اخلاقی روتلی، افزون بر انسان، حیوان و گیاه، جمادات نیز دارای ارزش و احترام استقلالی هستند.

#### روش تحقیق

انسان و محیط زیست رابطه دیرینه‌ای دارند و این رابطه به زمان پیدایش انسان برمی‌گردد، اما در برخی از دوره‌های زمانی نمود بیشتری پیدا می‌کند و در قالب یک رشته علمی خاص مورد مطالعه قرار می‌گیرد. از آنجا که این مقاله درصدد است به تبیین ژئوپلیتیکی تحولات رابطه انسان و محیط زیست بپردازد، لذا، داشتن نگرشی جهانی لازمه مطالعه و بررسی در مقاله حاضر می‌باشد. به این سبب است که با تمسک به شیوه مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی و گردآوری مجموعه نتایج سایر محققان در این زمینه سعی شده است تا به توصیف دقیق آنچه امروز در مباحث تحولات رابطه انسان و محیط زیست مطرح است بلحاظ ژئوپلیتیکی پرداخته شود و با تکیه بر آنها ضمن تحلیل وضع موجود به روش منطقی و با استفاده از شیوه قیاسی و استقرایی چشم انداز و راهکارهای آن نیز مورد ارزیابی قرار گیرد.

کره‌ی زمین هستند بدون این که از لحاظ معنای زنده بودن و شرایط آن با دیگر موجودات زنده تفاوتی داشته باشند.

۲. وابستگی اکوسیستمی انسان به طبیعت: عقیده به این که گونه‌ی انسان، به همراه همه‌ی دیگر گونه‌ها، عناصر منسجم یک سیستم به هم وابسته می‌باشند به طوری که امکان بقای هر یک از جانداران و نیز فرصت‌های آن‌ها در بهره‌مندی غنی یا فقیرانه از زندگی نه فقط براساس شرایط فیزیکی محیط زیست آنان که همچنین توسط روابطشان با دیگر جانداران تعیین می‌گردد.

۳. منحصربه‌فرد بودن خیر و کمال هر گونه‌ی جاندار: عقیده به این که همه‌ی ارگانیسم‌ها، مراکز غایی حیات بشمار می‌آیند؛ به این معنی که هر کدام برای خود منحصربه‌فرد بوده، خیر و صلاح خود را به روش خاص خود دنبال می‌کند. به عبارت دیگر، معتقدند این چنین نیست که انسان، غایت موجودات هستی باشد و کمال هر موجودی در رابطه با در خدمت انسان بودن، تعریف شود.

#### ۴. مکتب محیط زیست گرایان سبز بسیار تیره (روتلی‌ها)

به اعتقاد پیروان این مکتب، اشیاء طبیعی و نظام‌های طبیعی مانند درختان، دریاچه‌ها و جنگل‌ها، دارای ارزش فی‌نفسه و مستقل از منافع انسان‌ها هستند. به عقیده‌ی ایشان، به رسمیت شناختن چنین ارزشی انسان را مکلف می‌کند اصول اخلاقی نوینی اتخاذ کند که از اصول سنت اخلاقی غرب جدا باشد. چرا که سنت‌های اخلاقی غرب، به گونه‌ای انسان‌مدارانه است.

روتلی به عنوان نقاد جلوه‌ای از شووینیسم انسانی و هسته‌ی اعتقادی اخلاق غرب، معتقد است فلسفه لیبرال غرب به عنوان یک اصل این حق را به انسان داده است که هر آن چه را می‌خواهد، انجام دهد، مشروط به آن که به دیگران و احتمالاً به خود

### یافته‌های تحقیق

هرچند از گذشته‌های دور محیط‌زیست انسانی و طبیعی پیوسته با معضلات زیست‌محیطی نظیر آلودگی هوا، آلودگی آب، کاهش-گونه‌های نادر گیاهی و جانوری، پراکندگی مواد زاید و ضایعات مواجه بوده‌اند؛ اما، روند رو به‌افزایش جمعیت انسانی در کشورها طی دهه‌های گذشته تاکنون، بر میزان روند مسایل و معضلات زیست‌محیطی مناطق شهری، روستایی و محیط زیست طبیعی نیز افزوده است (۱۱). در گذشته، انسان به‌غریزه دریافته بود که رمز بقای آن، در گرو هماهنگی با طبیعت است و آموخته بود که زوال طبیعت، زوال اوست. اما، در دو قرن اخیر، با اوج‌گیری «توانایی‌های ابزاری» بشر، تعادل زیست‌محیطی قرون گذشته به زبان طبیعت بر هم خورد. لطمات وارده بر طبیعت در این دوران، ابعاد گسترده و غیرقابل جبرانی یافت و در ربع آخر قرن بیستم، به یک معنا از مرز فاجعه نیز گذشت (۱۲). علاوه بر اثراتی که فعالیت‌های عمده صنعتی انسان در محیط زیست می‌گذارد، تغییرات محیط طبیعی ناشی از گسترش و توسعه کشاورزی به وسیله انسان نیز بسیار چشمگیر است. در حالی که بخش‌ها و قسمت‌های وسیعی از کره زمین و سیستم‌های اکولوژیکی طبیعی به وسیله سیستم‌های کشت انسانی (کشاورزی، ایجاد باغ و باغچه) جایگزین و یا تغییر داده شده‌اند، در بخش‌ها و نواحی بزرگ‌تر و وسیع‌تری، این سیستم‌های اکولوژیکی طبیعی به سبب چرا، آبیاری و یا خشکاندن باتلاق‌ها، به شدت و به نحوی وخیم دچار عدم توازن شده‌اند (۱۳). بنابراین، پیامدهای افزایش جمعیت و تأثیر آن بر محیط‌زیست را می‌توان به شرح ذیل بیان کرد:

شهری‌سازی در زمین‌های مولد (حاصل‌خیز)، آبرفتگی و یا خشک-شدن خاک، فرسایش خاک، تخریب جنگل‌ها، کاهش آب‌های زیرزمینی، چرای بیش از اندازه و افزایش بیابان‌ها، از بین رفتن تنوع زیستی، آلودگی، تحلیل رفتن ازن و تغییرات آب و هوایی به دست انسان (۱۴).

بر این اساس، اکنون موضوع محیط زیست و حفاظت از آن به یک مسأله فراملی تبدیل شده و امنیت بشری را به مخاطره انداخته

است و هیچ کشوری از پیامدهای مخرب آن نمی‌تواند در امان باشد (۱۵). بر اساس تحقیقات انجام شده در دهه ۱۹۸۰ معلوم گردید که محیط زیست بشر چنان دچار تخریب شده و رشد جمعیت و افزایش روزافزون قدرت تولید، آنچنان ابعاد گسترده‌ای به این تخریب داده است که زیست‌کره زمین مورد تهدید قرار گرفته است. یکی از عوامل اصلی بحران‌های زیست‌محیطی که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر روند تخریب آن اثر می‌گذارد مسأله افزایش جمعیت در سطح جهان، به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه است (۱۶). طبق اعلام سازمان ملل هر دقیقه به طور میانگین ۲۵۰ نوزاد متولد می‌شوند که تعداد آنان در سال به بیش از ۱۳۰ میلیون نوزاد می‌رسد. اطلاعات سازمان ملل حاکی از آن است که در سال ۱۸۰۰ میلادی جمعیت جهان یک میلیارد نفر بوده و در سال ۱۹۲۷ به دو میلیارد نفر رسیده است. همچنین جمعیت جهان در سال ۱۹۸۷ میلادی پنج میلیارد نفر بوده و اکنون بیش از ۷٫۵ میلیارد نفر برآورد شده است. در عین حال پیش بینی شده که جمعیت جهان تا سال ۲۱۰۰ به ۱۱ میلیارد نفر برسد. دلایل به هم وابسته متعددی برای کاهش کلی میزان مرگ و میر وجود دارد که شامل ازدیاد تولید کشاورزی، توزیع بهتر غذا به واسطه پیشرفت حمل و نقل، تغذیه بهتر و پیشرفت علم پزشکی است (۱۷). به هر حال، رابطه رشد جمعیت و محیط زیست همواره در چهارچوب سه دیدگاه ذیل مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

**۱- دیدگاه مالتوسی** که بر اساس آن، قدرت جمعیت بیش از اندازه بیش‌تر از حد توانایی کره زمین برای تأمین معاش انسان-هاست (۱۸). افزایش رشد جمعیت با توان‌های زیستی کره زمین هماهنگی ندارد و فشار جمعیت بر محیط زیست، بحران‌های قحطی، گرسنگی، درگیری و جنگ را در پی خواهد داشت.

**۲- دیدگاه کورنو کوپایی** که معتقد است به نسبت افزایش جمعیت، تخصص‌ها و نوآوری‌ها نیز افزایش پیدا می‌کنند و دیدگاه مالتوسی را رد می‌کند (۱۹).

دهه ۱۹۹۰ میلادی به بعد مسایل زیست‌محیطی ماهیتی سیاسی-امنیتی یافته است. از این رو، کلیه دولت‌های جنوب و شمال سعی دارند پایه‌های پیشرفت علم و تکنولوژی، قواعد حقوقی مناسبی را برای بهبود محیط‌زیست ارائه دهند. به همین دلیل در چند سال گذشته همه کشورها، صرف نظر از نظام سیاسی یا سطح توسعه اقتصادی دولت‌ها، تمایل قابل ملاحظه‌ای به تدوین هر چه بیشتر قواعد جدید در زمینه مسایل مربوط به محیط زیست نشان داده‌اند (۲۴). ورود واحدهای سیاسی جدید به صحنه مناسبات جهانی، بهره‌برداری از محیط را وارد مرحله جدیدی گرداند. کشورهای در حال توسعه در زمینه پاسخگویی به نیاز جمعیت بومی خود، صنعتی‌شدن را بر طبق الگوهای غربی در صدر اولویت خود قرار دادند (۷).

بنابراین، معمولاً مسایل محیطی و توسعه در سطوح بالای سیاسی مطرح می‌شوند. نگرانی‌های مربوط به تخریب محیط و برخورد‌های اجتماعی ناشی از تغییرات آب و هوایی به بحث‌هایی که در دوران معاصر بر سر امنیت کره زمین، میلیتاریسم و فرمانروایی زمین مربوط می‌شود اضافه شده است (۲۵).

از طرف دیگر، گسترش اقتصاد جهانی و مصرف‌گرایی فوق‌العاده جوامع بشری همراه با عدم توازن در تولید، توزیع و مصرف منابع اقتصادی از سویی و توسعه و رشد جمعیت همراه با الگوی پخش نامتعادل و شیوه‌های ناصحیح تعامل انسان با محیط‌جغرافیایی سبب گردیده است زیستگاه بشر در سطوح جهانی (کروی)، منطقه‌ای، ملی و محلی دستخوش مخاطرات گردد. از این رو، مسایل زیست‌محیطی از دهه ۱۹۶۰ در سیاست جهان جای خود را باز کرد و نهضت‌های متعددی تلاش‌های خود را به صورت گروهی و سازمانی آغاز کردند که عبارتند از:

۱- باشگاه رم در سال ۱۹۶۸،

۲- باشگاه سی‌پرا در سال ۱۸۹۱،

۳- انجمن اودابن یا انجمن طبیعت بکر،

۴- علاوه بر دو سازمان فوق، هشت تشکل دیگر نیز به نام‌های:

سازمان پارک‌های ملی، انجمن حفاظت از محیط زیست،

۳- دیدگاه گایا<sup>۱</sup> که در سال ۱۹۷۲ این مفهوم توسط جیمز لاولاک<sup>۲</sup> مطرح شد و عنوان آن نیز برگرفته از نام الهه زمین در یونان باستان به پیشنهاد جیمز گلدینگ<sup>۳</sup> رمان‌نویس معروف است. بر این اساس، گایا در قالب زیست‌کره، هواسپهر، اقیانوس‌ها و خاک مورد مطالعه قرار می‌گیرد و دقیقاً همان نوع رفتار سازمان-یافته و منظم را به نمایش می‌گذارد که در سایر شکل‌های حیات نیز مشاهده می‌شود (۲۰).

با وجود این که این دیدگاه هنوز در اجتماع علمی پذیرش همگانی نیافته است؛ اما، بحث پیرامون آن در برخی از معتبرترین مجلات علمی جهان انجام گرفته است (۲۱) و از آن‌جا که این دیدگاه، علیرغم تأکید بسیار بر محیط زیست کره زمین، بر فن-آوری و صنعتی‌کردن نیز تأکید دارد؛ لذا، می‌توان گفت که این دیدگاه در مقایسه با دو دیدگاه قبلی در مورد رابطه انسان و محیط زیست میانه‌رو و منطقی به نظر می‌رسد.

### روند تحولات مسایل زیست‌محیطی

جهانی‌شدن اقتصاد و فنون و اطلاعات، نشانی از این واقعیت با خود داشت که برخوردها جنبه جهانی به خود گرفته است. خطر بروز یک بی‌تعادلی جمعیتی در مقیاس جهانی، بیم از به پایان رسیدن منابع احیا ناشدنی و تهدیدی که دامن‌گیر محیط زیست بود، اوج‌گیری جنبش‌های بوم‌شناختی را توجیه می‌کرد و بر ضرورت همبستگی به منظور بقای جامعه بشری تأکید می‌نهاد (۲۲). اگرچه توجه به مسایل زیست‌محیطی به دوره استعمارگری اروپایی‌ها که اکوسیستم‌های طبیعی را به زمین‌های کشاورزی تبدیل می‌کردند و گونه‌های گیاهی و جانوری را در سرزمین‌های تحت تصرف خود جهت بهره‌برداری بیش‌تر جا به جا می‌کردند برمی‌گردد؛ اما، چند دهه‌ای است که این موضوع در چهارچوب محیط زیست‌گرایی مورد مطالعه قرار گرفته (۲۳) و از

۱- دیدگاه گایا را می‌توان از جهاتی با مفهوم سپندارمد (الهه عشق به زمین) در فرهنگ ایران باستان معادل دانست.

2 - James Lovelock

3 - James Golding



خواهد یافت. از این تعداد احتمالاً ۶/۵ میلیارد نفر در نقاط فقیرتر جهان به سر خواهند برد. جمعیت کشورهایی چون بنگلادش به ۲۳۵ میلیون نفر، مصر به ۱۲۵ میلیون نفر، کنیا به ۸۰ میلیون نفر و هندوستان به ۱۴۴۰ میلیون نفر خواهد رسید. حتی وخیم‌تر این‌که، دو سوم این جمعیت در محله‌های فقیر شهری کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته جهان متمرکز خواهند بود و از این رو، آن‌ها را نسبت به حرکت‌های رادیکال سیاسی حساس‌تر خواهد کرد. به هر حال، افزایش جمعیت تا سال ۲۰۵۰ به صورت چشمگیر خواهد بود و در این راستا، از برآورد جدول ۱ و ۲ تبعیت خواهد کرد.

#### جدول ۱- سناریوی جمعیت جهان (۲۰۵۰)

Table 1- World population scenario (2050)

حداکثر	متوسط	حداقل
۱۰۴۶۱ میلیارد	۹۱۵۰ میلیارد	۷۹۵۹ میلیارد

#### جدول ۲- نرخ رشد جمعیت (۲۰۴۵-۲۰۵۰)

با توجه به سناریوی رشد جمعیت

Table 2- Population growth rate (2045-2050)  
According to the population growth scenario

حداکثر	متوسط	حداقل
۱/۵۴	۲/۰۲	۲/۵۱

(۶)

روند رشد جمعیت متأثر از روند رشد اقتصادی است. بر اساس گزارش سال ۱۹۹۲ سازمان ملل، تحت عنوان توسعه منابع انسانی در دهه ۱۹۶۰ ثروت کشورهای غنی‌تر جهان ۳۰ برابر ثروت کشورهای فقیرتر جهان بوده است. این شکاف در دهه ۱۹۹۰ آن-چنان عمیق شده بود که درآمد کشورهای ثروتمند جهان به ۱۵۰ برابر درآمد کشورهای فقیرتر جهان افزایش یافت. آن‌چه مسلم است، جهت این روند تا سال ۲۰۰۰ میلادی تغییر نیافته است (۳۱). جدول ۳ ده کشور ثروتمند و ده کشور فقیر جهان را بر اساس ثروت سرانه در سال ۲۰۰۰ نشان می‌دهد.

فدراسیون ملی حیات وحش، انجمن دفاع از منابع طبیعی، اتحادیه ایزاک والتون، مدافعان حیات وحش، صندوق دفاع از محیط زیست و موسسه خط‌مشی محیطی در ایالات متحد آمریکا در دهه ۱۹۸۰ به وجود آمدند که به مجموعه آن‌ها گروه ده اطلاق می‌شود.

۵- سازمان صلح سبز بین‌المللی در سال ۱۹۷۰ در شهر ونکور کانادا تشکیل شد.

۶- سازمان اول زمین در سال ۱۹۷۰ در نیومکزیکو و آریزونا توسط دیوید فورمن تأسیس شد.

۷- حزب سبز آلمان در سال ۱۹۸۰ در آلمان تأسیس شد (۲۶).

همچنین در سطح دولت‌ها و حکومت‌ها، اجلاس‌های بین‌المللی را در پی داشت که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: اجلاس بیوسفر در پاریس در ۱۹۶۸ (۲۷)، اجلاس توسعه انسانی سازمان ملل در استکهلم ۱۹۷۲، کنوانسیون ۱۹۸۹ درباره مخاطرات طبیعی، گزارش مسایل زیست‌محیطی براتلند در ۱۹۸۷، نشست زمین در ریودوژانیرو ۱۹۹۲ (۲۹) و داووس در سال ۲۰۱۰.

علاوه بر این، در خصوص آلودگی‌های دریاهای نیز کنوانسیون‌هایی وجود دارند که عبارتند از:

کنوانسیون مارپل در سال ۱۹۷۳، کنوانسیون بین‌المللی آمادگی، مقابله و همکاری در برابر آلودگی نفتی OPRC 1990، کنوانسیون جلوگیری از آلودگی دریایی لندن ۱۹۷۲، کنوانسیون سازمان ملل متحد در رابطه با حقوق دریا ۱۹۸۲، کنوانسیون ارزیابی آثار زیان‌بار زیست‌محیطی فرامرزی ۱۹۹۱ و کنوانسیون هلسینکی سال ۱۹۹۲ (طلایی، ۱۳۸۸، ۵۸).

#### چشم‌انداز

تاریخ بشر شاهد افزایش مداوم و اخیراً بسیار شدید مقیاس وقوع حوادث زیست‌محیطی بوده است. از برخی جوانب امکان دارد که تأثیر بشر بر محیط زیست، در مرحله‌ای نسبتاً اولیه از پیشرفت بشر جدی شده باشد (۳۰). از این رو، با افزایش جمعیت نابرابری توزیع ثروت نمایان‌تر می‌شود. به عقیده اکثر کارشناسان جمعیتی تا سال ۲۰۲۵ میلادی جمعیت جهان به ۸/۵ میلیارد نفر افزایش

## جدول ۳- ده کشور ثروتمند و ده کشور فقیر جهان بر اساس ثروت سرانه (۲۰۰۰)

Table3- The ten richest and ten poorest countries in the world based on wealth per capita(2000)

ده کشور فقیر سال ۲۰۰۰		ده کشور ثروتمند سال ۲۰۰۰	
ثروت سرانه(دلار)	کشور	ثروت سرانه(دلار)	کشور
۵۰۲۰	ماداگاسکار	۶۴۸۲۴۱	سوئیس
۴۴۵۸	چاد	۵۷۵۱۳۸	دانمارک
۴۲۳۲	موزامبیک	۵۱۳۴۲۴	سوئد
۳۹۷۴	گینه بیسائو	۵۱۲۶۱۲	ایالات متحده امریکا
۳۸۰۲	نیپال	۴۹۶۴۴۷	آلمان
۳۶۹۵	نیجر	۴۹۳۲۴۱	ژاپن
۳۵۱۶	جمهوری کنگو	۴۹۳۰۸۰	اتریش
۲۸۵۹	بروندی	۴۷۳۷۰۸	نروژ
۲۷۴۸	نیجریه	۴۶۸۰۲۴	فرانسه
۱۹۶۵	اتیوپی	۴۵۱۷۱۴	بلژیک- لوکزامبورگ

(۳۲)

اقداماتی که در جهت تأدیب خاطیان صورت می‌گیرد، ممکن است بر هزینه‌های کوتاه‌مدت بیفزاید، قربانی بگیرد، بی‌عدالتی را تشدید کند، قدرت ملی را محدود سازد و یا بر جاه‌طلبی‌های سیاسی سرپوش گذارد. لذا، دولت‌هایی که معتقدند این اقدامات از قدرت آن‌ها می‌کاهد، از این امور استقبال نمی‌کنند. این مخالفت-ها، هم‌اکنون باعث بروز کشمکش‌های کاری و تجاری شده است و به احتمال زیاد می‌تواند آتش نبردهای مسلحانه را شعله‌ور سازد.

**راهکار**

از دیدگاه آژانس حفاظت از محیط زیست<sup>۱</sup>، عدالت زیست‌محیطی عبارت از برخورد عادلانه با تمامی افراد، صرف‌نظر از نژاد، رنگ پوست، تابعیت یا درآمد آن‌ها است و بر ایجاد، اجرا و اعمال قوانین و مقررات و سیاست‌های زیست‌محیطی مطابق با روابط معین‌شده و مشخص تأکید می‌ورزد(۳۳). بر این اساس همه

تداوم این روند موجب رشد نگرانی در خصوص ابعاد زیستی در کشورهای ثروتمند جهان از دیگر عواملی است که بر محوریت نابرابری جهان تأثیر می‌گذارد. نگرانی زیستی از مسایل بسیار جدی است که سلامت تمامی انسان‌ها را به خطر می‌اندازد و از این روست که باید به آن توجه فوری معطوف شود. از طرف دیگر، آلودگی، غارت و چپاول و سایر تباهی‌های دیگر، تأمین حداقل نیازهای جمعیت فزاینده جهان را دشوار ساخته است. هوای آلوده، از بین رفتن جنگل‌ها، سوء مدیریت در امور کشاورزی، ماهیگیری بیش از حد، سرریز مواد نفتی، استفاده بی‌رویه از آب و بی‌دقتی در دفع مواد زاید از جمله مواردی هستند که زیستگاه‌های محلی، منطقه‌ای و حتی جهانی را به نابودی می‌کشند و اثرات کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدتی بر اکوسیستم و شرایط زندگی بشر دارند. برخی از این عواقب ناگوار، روشن و مشخص‌اند ولی ارتباط برخی دیگر با امور زیست‌محیطی محتاج تحقیق بیش‌تر است. همچنین،

1 - Environmental Protection Agency(EPA)

### ۱- اقدامات نهضت های اجتماعی

اگر بنا باشد نهضت‌های اجتماعی را بر اساس نیروی مولد تاریخی آن‌ها، یعنی تأثیر آن‌ها بر ارزش‌های فرهنگی و سیاسی نهادهای جامعه ارزیابی کنیم، نهضت محیط‌زیست ربع پایانی قرن بیستم، جایگاه ممتازی در چشم‌انداز تاریخ کسب می‌کند. بر این اساس است که در دهه ۱۹۹۰ هشتاد درصد امریکایی‌ها و بیش از دو سوم اروپایی‌ها خود را طرفدار محیط‌زیست معرفی می‌کنند و اکنون در آن کشورها احزاب و نامزدهایی که برنامه‌ها و سیاست‌های خود را به اصطلاح (سبز) نساخته باشند به زحمت می‌توانند در انتخابات پیروز شوند (۳۴). زیرا، رهیافت‌سبز به سیاست‌نشان می‌دهد که هر یک از انسان‌ها بخشی از عوامل بروز مسایل جهان هستند و خود می‌توانند بخشی از راه‌حل این مسایل باشند (۳۷).

از این رو، مشارکت عمومی در موضوعات زیست‌محیطی در سال‌های اخیر، بیش‌تر از طریق سازمان‌های غیردولتی (NGO) به صورت فرآیندهای سیاسی انجام می‌پذیرد. این مشارکت و علاقه عمومی ظاهراً در کشورهای پیشرفته چشمگیرتر است. شاید، بدین دلیل که شناخت و آگاهی از ساختارهای قدرت در آن کشورها فراتر بوده و تقاضا برای زندگی روزمره از شدت کم‌تری برخوردار بوده است. البته، به‌خصوص، در سال‌های اخیر مشارکت شهروندان کشورهای در حال توسعه نیز در امور مسایل زیست‌محیطی رو به رشد بوده است (۱۹).

### ۲- اقدامات سازمان ملل متحد

اگرچه، بیش‌تر مردم، سازمان ملل متحد را با مسایل صلح و امنیت مربوط می‌دانند؛ اما، بخش عظیم منابع این سازمان در حقیقت به پیشبرد وعده منشور ملل متحد در زمینه ترویج و حمایت از معیارهای عالی‌تر زندگی، اشتغال کامل، شرایط پیشرفت، توسعه اقتصادی و اجتماعی اختصاص یافته است.

فرهنگ‌های قومی مورد احترام هستند و موانع اصلی تحقق عدالت زیست‌محیطی، ملی‌گرایی دولتی است. زیرا، دولت ملی بنا به ماهیت، قدرت خود را ضرورتاً بر منطقه معینی اعمال می‌کند. بنابراین، دولت ملی وحدت نوع بشر و همچنین رابطه متقابل بین مناطق را می‌گسلد و اشتراک سهم انسان را در زیست‌بوم جهانی تضعیف می‌کند (۳۴). بنابراین، تحولات جمعیتی و مصرف برخی کالاها اساسی بازنگری نظام ژئوپلیتیکی را در نحوه استفاده و بهره‌برداری از منابع طبیعی و زیست‌محیطی ضروری می‌نمایند که این تحول با اصطلاح ژئوپولیتیک‌سبز مطابقت دارد (۳۵). نظام ژئوپولیتیک‌سبز مجموعه‌ای از مطالعات و اقدامات جامع هدفمند و مستمر ژئواکونومیکی و ژئوکالچری است که در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و جهانی صورت می‌گیرد تا وضعیت موجود معضلات زیست‌محیطی جهان را بهبود بخشد و کارگزاری اصلی آن برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد (UNEP) است. این برنامه، به عنوان وجدان محیط‌زیست نظام ملل متحد، شرایط محیط‌زیست جهان را ارزیابی و مسایل نیازمند به همکاری بین‌المللی را شناسایی، به تنظیم قوانین بین‌المللی و گنجاندن ملاحظات مربوط به محیط زیست در برنامه‌ها و سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی نظام ملل متحد کمک می‌کند. <sup>۱</sup> UNEP با شعار محیط زیست برای توسعه به حل مسایلی کمک می‌کند که کشورها به تنهایی قادر به غلبه بر آن‌ها نیستند. این برنامه زمینه ایجاد اجماع و انعقاد قراردادهای بین‌المللی را فراهم می‌کند و برای انجام این کار می‌کوشد مشارکت تجارت و صنعت، جوامع علمی و دانشگاهی، سازمان‌های غیر دولتی، گروه‌های محلی و سایرین را در تحقق توسعه پایدار- که من از آن به عنوان ژئوپولیتیک سبز یاد می‌کنم- افزایش دهد (۳۶).

با توجه به مطالب فوق، بررسی و تحلیل اقدامات سه گروه ذینفع در مسایل زیست‌محیطی در این‌جا ضروری به نظر می‌رسد:

پاسخ داده، آگاهی روزافزون مردم، از این نکته را نیز مدنظر قرار دهند که تخریب محیط‌زیست در درازمدت به توسعه، آسیب وارد خواهد کرد. زیرا رشد اقتصادی هرچند با قدرت، اعمال شود و توأم با تجدید ساختمان سریع ساختارهای تولیدی باشد، توسعه محسوب نمی‌شود.

علاوه بر این، بنا بر انواع اهدافی که از رشد داریم و شیوه توزیع تولیدات آن، بعضی اوقات، رشد، منجر به توسعه می‌شود، بعضی اوقات، توسعه‌ی بدفرجامی در پی دارد که به هدر دادن بخش مهمی از تولید ناخالص ملی در هزینه‌های سرسام آور برای گردش نظام اقتصادی منجر می‌شود. افسوس که بازار توسعه بد فرجام داغ‌تر از توسعه موزون رواج دارد. این حقیقت خصوصاً در مورد کشورهای در حال توسعه صادق است که از روی تقلید به راهی قدم می‌گذارند که قبلاً کشورهای صنعتی پیموده‌اند (۴۱). از این رو، بعضی‌ها ادعا می‌کنند که نابودی محیط‌زیست مسأله کشورهای پیشرفته می‌باشد. اما، در این مورد، نباید فراموش کنیم که فقر نیز خود، آلوده و آلودگی‌زا است و قربانیان اصلی آلودگی، معمولاً ساکنین محله‌ها و مناطق فقیر شهرهای بزرگ کشورهای در حال توسعه می‌باشند. پس در شرایط کنونی، مدیریت صحیح منابع محیط‌زیست جهانی به مثابه توسعه محسوب می‌شود. بدین ترتیب، به چهارچوب در آوردن سیاست‌های زیست‌محیطی در درون مفهوم عمومی امنیت زیست‌محیطی جهانی، اشاره تلویحی دارد که سیاست‌های زیست‌محیطی، باید طبیعت جهانی داشته باشد تا این‌که به‌طور خودکار، به سوی دولت‌های ملی، به‌عنوان بازیگران اصلی مربوط به بحران زیست‌محیطی جهانی هدایت شوند. در این راستا، هرچند، برخی از دولت‌ها تمایل زیادی به حفظ محیط‌زیست دارند؛ اما، وجود برخی منافع باعث شده است که همین دولت‌ها دست به فعالیت‌هایی بزنند که حفظ و بقای محیط‌زیست را به خطر می‌اندازد. به همین دلیل، ملت‌ها خود نیز به فکر افتادند تا راهی برای حفظ این محیط بارز نش پیدا نمایند؛ اما، از آن‌جایی که اشخاص به‌تنهایی نمی‌توانستند در مقابل قدرت بزرگی چون دولت اقدام کنند، بنابراین، تلاش‌های خود را به

تلاش‌های سازمان ملل به شدت بر زندگی و رفاه میلیون‌ها نفر در سراسر جهان تأثیر گذاشته است. این سازمان بر اساس هشت هدف توسعه (ر.ک. ۳۸) اعلامیه هزاره، دولت‌ها را موظف می‌سازد برای مبارزه با فقر، بی‌سوادی، گرسنگی، عدم وجود امکانات آموزش و پرورش، نابرابری جنسیتی، مرگ و میر کودکان و مادران، بیماری و نابودی محیط‌زیست دست به دست هم بدهند و برای ریشه کن کردن آن‌ها بیش‌تر کار بکنند. به خصوص، در نشست مونتری و ژوهانسبورگ بر هدف هشتم توسعه هزاره (محیط‌زیست) تأکید خاص شده است و از کشورهای ثروتمند خواسته شده که بدهی‌های کشورهای فقیر را ببخشند و کمک به آن‌ها را افزایش دهند تا امکان دسترسی عادلانه آن‌ها به بازارها و فن آوری فراهم شود.

هدف‌های توسعه هزاره آزمونی برای اراده سیاسی به منظور ایجاد مشارکت‌های وسیع‌تر و عمیق‌تر است. طبق آن کشورهای در حال توسعه مسئولیت دارند برای آزادسازی انرژی‌های خلاق مردم خود اصلاحات سیاسی به عمل آورند و از این طریق، حکومت خود را تقویت کنند، چون در شرایط کنونی، کشورها نمی‌توانند به تنهایی و بدون تعهدات بین‌المللی که یکی از مهم‌ترین آن‌ها تعهدات زیست‌محیطی است به توسعه دست یابند (۳۹). علاوه بر این، سازمان ملل در سال‌های اخیر، به مرجع اصلی حل اختلافات میان دولت‌ها بر سر منابع و انحطاط زیست‌محیطی تبدیل شده است که غالباً با نگرانی‌هایی در مورد توسعه اقتصادی در کشورهای جنوب همراه است (۴۰).

### ۳- اقدامات دولت‌ها

دولت‌های حاکم، هنوز، هم از عناصر تشکیل‌دهنده روابط اصلی کشورها محسوب می‌شوند و تصمیمات آن‌ها همچنان بیش‌ترین تأثیر را بر محیط زیست جهانی بر جا می‌گذارد. به طوری‌که در سال ۱۹۷۲، فقط بیست و پنج کشور جهان سازمان‌های محیط‌زیستی در سطح ملی داشتند. اما، از سال ۱۹۹۵، این سازمان‌ها در بیش از ۱۴۰ کشور جهان، تأسیس شدند. دولت‌های ملی مجبور هستند به فشارهای داخلی برای توسعه اقتصادی

محیط زیست و نیز ظهور نهضت‌های اجتماعی زیست‌محیطی در سراسر جهان بر اهمیت این موضوع و چشم‌انداز ژئوپلیتیکی آن دلالت می‌کند. به طوری که، امروز طرفداران محیط زیست می‌توانند به پوشش وسیع رسانه‌ها، سازمان‌ها و تشکل‌های به اصطلاح سبز، مورد تأیید قرارگرفتن تدریجی و جذب آراء این جنبش، افزایش منابع مالی، وفاق و همگرایی هزاران گروه در شبکه جهانی امیدوار بوده و به آن تکیه کنند. علاوه بر این و مهم‌تر از آن این که جنبش زیست‌محیطی می‌تواند ادعای موقعیت پایداری را در عرصه قانون‌گذاری و رعایت ضرورت‌های حفظ محیط‌زیست داشته باشد. با این حال، شدت تخریب محیط‌زیست و افزایش جمعیت در جهان به‌ویژه به لحاظ آسیب‌های زیست‌محیطی واردشده به زمین در حدی است که مسایل هشداردهنده‌ای در مقابل خوش‌بینی ناشی از موقعیت‌های یادشده ایجاد می‌کند. یکی از این نکات هشداردهنده این است که تخصص‌ها و نوآوری‌های مزبور به‌سختی می‌تواند بر سرعت تنزل و تخریب محیط زیست تفوق یابد. در چند دهه اخیر، فقط شاهد طرح مسایل اکولوژیکی جدی‌تری به‌عنوان اولویت‌ها در دستورکار زیست‌محیطی بوده‌ایم.

#### منابع

- 1- Vernier, Jscques. Environment. Translator: Gilda Irvanloo, Tehran: Elmi va farhangi publication. 1997. (In Persian)
- 2- Moharamnejad, Naser. Evolution of environmental management, Environmental scientific Journal, 2000, No.32. (In Persian)
- 3- Green, Aven. Environment, Translator: Ahmad Alikhani, Tehran: Publications of the great period of war. 2000. (In Persian)
- 4- Otuathail, Gearoid, Simon Dalby, Paul Routledge. The Geopolitics

صورت گروهی و سازمانی آغاز کردند که به اسامی برخی از آن‌ها قبلاً اشاره شده است.

#### نتیجه‌گیری

انسان همواره در محیط زیست به نقش‌آفرینی می‌پردازد و در تاریخ اجتماعی خود برای رفع نیازمندی‌های زیستی به ابداع فن-آوری‌ها پرداخته و از طریق این ابزارسازی بر طبیعت تسلط یافته است. اما، توسعه تکنولوژی و گسترش و تنوع فعالیت‌ها موجب افزایش جمعیت انسانی و در نتیجه فشار بر محیط زیست گردیده و روند استفاده بی‌رویه انسان از طبیعت موجب واردشدن خسارات جبران‌ناپذیری بر محیط زیست زمین شده است. از این رو، پس از تحمیل فرآیند تخریب بر کره زمین به شکل فراگیر، اصلاح نظام بهره‌برداری بی‌رویه و حفاظت از زمین و منابع حیاتی آن در توسعه مورد توجه قرار گرفته است و از این رو، رویکرد حفاظتی محور بحث‌های نظری حفظ محیط زیست در ژئوپولیتیک زیست-محیطی قرار گرفت. بر این اساس، سیاست‌های نشأت گرفته از اهمیت نقش انسان در محیط زیست به مهم‌ترین چالش و دستور کار ملت‌ها و دولت‌ها تبدیل شده است.

تبیین محیط زیست ضرورت اهتمام به تأمین سلامت آن، اصول مبادی زیست‌محیطی، راه‌های نیل به محیط سالم و بالاخره اهداف اصیل آن، از آن جهت که از حقوق اساسی بشر است از یک سو و از سوی دیگر جزء وظایف بشری است و تأمین آن از علوم انسانی پایه می‌گیرد و از قدرت‌های بشری مایه‌گیری می‌کند؛ چنان که تخریب آن نیز در اثر نشناختن حقوق بشر یا انجام ندادن وظایف بشری است لازم است که ساختار نظام‌مند انسان و جهان، هرچند به نحو اختصار معلوم شود تا در پرتو آن، ضرورت تحصیل محیط سالم و لزوم حفظ آن روشن شود.

از طرف دیگر، تخریب سیاره زمین و طبیعت آن، تغییرات اقلیمی و کمبود منابع با افزایش جمعیت به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه موجب شد تا افکار عمومی جهان متوجه رابطه انسان و محیط زیست گردد. تشکیل اجلاس و کنفرانس‌های مربوط به

- world perspective, Tehran: Publications of the Environmental Protection Organization, 2006. (In Persian)
- 13- Members of the USSR Academy of Sciences. Man, Society and Environment, Translator: Salahadin Mahalati, Tehran: Shahid Beheshti University Press, 1993. (In Persian)
- 14- Murray, Warwick E. Geography of Globalization, Translator: Jahfar Javan and Abdolla Abdollahi, Tehran: Chapar Publication, 2009. (In Persian)
- 15- Zeinolabedin, Y. & others. Geopolitical and Environmental Issues in the Caspian Sea, Caspian Journal of Environmental Sciences(CJES), University of Guilan. 2009.
- 16- Vilnor, K. Citizen and Environment, Payam Unesco Magazine. 1991, No. 258, Tehran. (In Persian)
- 17- Miller, George Tyler. Living in the Environment, Translator: Majid Makhdoom, Tehran: Tehran university Publication, 2008. (In Persian)
- 18- Johnston, R.J. Geographies of global change: remapping the world in the late twentieth century, Translator: Nasrin Nouryan, Tehran: Publications of the Great period of war, 2004. (In Persian)
- 19- Braden, Kathleen and Shelley, Fred. Engaging Geopolitics, Thoughts in Twentieth Century. Translator: Mohammad Reza Hafeznia and Hashem Nasiri, Tehran: Publications of the Ministry of Foreign Affairs. 2001. (In Persian)
- 5- Kavyanirad, Morad. Environmental security of Iran, Tehran: Research Institute of Strategic Studies Publication, 2018. (In Persian)
- 6- UNFPA. State of World Population 2009, 2009. UNFPA.
- 7- Molaei, Alireza. A critique of geopolitical readings. Tehran: Emam Bagher University Press, 2003. (In Persian)
- 8- Claval, Paul. Geography of the 21<sup>st</sup> century, Translator: Hasan Sadouq, Tehran: Shahid Beheshti University Press, 2017. (In Persian)
- 9- Benson, John. Environmental Ethics: An introduction whit readings, First published by Routlge, 2000.
- 10- Milton, K. Kind Nature: Toward the Climate of Affection. Translator: Mahdi Rostami Shahroodi, Tehran: Publications of the Environmental Protection Organization, 2004. (In Persian)
- 11- Country Mapping Organization, National Atlas of Iran "Environment". Tehran: Country Mapping Organization Press, 2001. (In Persian)
- 12- Nasiri, Hosein. Development sustainable development third

- 27- Aghazadeh, Jafar. The trend of attention of the world community to the environment. *Middle East Studies Quarterly*, 2000, No. 22. Pp. 83-113. (In Persian)
- 28- Hafeznia, Mohammad Reza. Principles and Concepts of Geopolitics. Mashhad: Papoli Publisher, 2006. (In Persian)
- 29- Talaei, Vahid. The evolution of international environmental law in the field of sea protection with an emphasis on the responsibility of governments for oil pollution. *International relations Journal*, 2009, No. 43. Pp.43-80. (In Persian)
- 30- Muir, Richard. Political Geography: A new Introduction. Translator: Dorre Mirheidar. Tehran: Publications of the Geographical Organization of Armed Forces, 2000. (In Persian)
- 31- Brzezinski, Zbigniew. Out of control: global turmoil on the eve of the twenty -first century. Translator: Abdorahim Nave Ebrahim. Tehran: Ettelihat Publisher, 2002. (In Persian)
- 32- Word Bank. Where is the Wealth of the Nations, World Bank. UN Publisher, 2000.
- 33- Ekrami, Atiyeh & others. Environmental justice is a comprehensive approach to realizing social justice. *International relations Journal*, 2009, No. 43. Pp.111-130. (In Persian)
- Translator: Alireza Farshchi and Hamidreza Rahnama, Tehran: Publications of the Great period of war, 2004. (In Persian)
- 20- Heywood, Andrew. Political Ideologies: An Introduction. Translator: Mohammad Rafihi Mehrabadi, Tehran: Publications of the Ministry of Foreign Affairs, 2005. (In Persian)
- 21- Dobson, Andrew. Green Political Thought, Translator: Mohsen Salasi, Tehran: Agah Publisher, 1998. (In Persian)
- 22- Schebling, Jacques. What is Geography?, Translator: Sirus Sahami, Tehran: Mohaghegh Publisher, 2006. (In Persian)
- 23- Monsfield, B. 'Global Environment Politics' in Cox, Kevin & others(eds), *The SAGE Handbook of Political Geography*, SAGE Publication. New York, 2008.
- 24- Seifzadeh, Hossein. The mystery of security and the new challenges of the West, Tehran: Publications of the Ministry of Foreign Affairs, 2006. (In Persian)
- 25- Dodds, Klaus. Geopolitics in a changing world, Translator: Zahra Ahmadipour & others, Tehran: Bolagh Danesh Publisher, 2005. (In Persian)
- 26- Zeinolabedin, Y. & others. An Introduction to Environmental Geopolitics. *Environmental Science and Technology Quarterly*, 2007, No.2. Pp. 103-123. (In Persian)

- 
- 38- The World Bank, The Millenium Development Goals (Map), UN, 2004.
- 39- UN. The Millenium Development Goals Report, UN. 2005.
- 40- Zeinolabedin, Y. Environmental Geopolitics(Resources, Human and Development), Rasht: Islamic Azad University: Rasht Branch Publisher, 2017. (In Persian)
- 41- Sachs, Inassis. Ecology and philosophy of development, Translator: Hamin Nouhi, Tehran: Kian cultural institute Publisher, 1994. (In Persian)
- 34- Castells, Manuel. The rise of the network society(Volume 2). Translator: Hasan Chavoshian, Tehran: Tarhe no Publisher, 2006. (In Persian)
- 35- Agnew, J. Making Political Geography, London: Arnold Publishers, 2004.
- 36- Isari Kasmaei, Ali. The united nations today, Tehran: Abaron Publisher, 2008. (In Persian)
- 37- Kelly, P. Thinking Green: Essays on Environmentalism, Feminism, and Nonviolence, Berkeley: Parallax Press. 1994.